



ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات و بررسی دیدگاه‌های مشهور بر اساس آن

قهاری کرمانی، محمدهادی^۱

چکیده

مفسران و دانشمندان علوم قرآنی درباره ماهیت تأویل قرآن، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه نموده‌اند. علت این اختلاف نظرها آن است که ماهیت تأویل قرآن به صراحت در آیات و روایات تعریف نشده است؛ لذا بهترین راه برای معناشناسی تأویل قرآن، رجوع به آیات و روایات است تا بر اساس کاربردهای قرآنی و روایی این اصطلاح، ماهیت تأویل قرآن کشف شده و تعریفی جامع برای آن ارائه گردد. از این رو این پژوهش برآن است تا با روش توصیفی - تحلیلی، ضمن بررسی آیات و روایاتی که در مورد «تأویل قرآن» وارد شده است، ماهیت تأویل قرآن را کشف نموده و سپس بر اساس آن به بررسی و نقد دیدگاه‌های مشهور درباره چستی تأویل قرآن بپردازد. مهم‌ترین نتیجه این تحقیق آن است که طبق آیات و روایات، تأویل قرآن در معنای خاص به شش معنا می‌باشد که عبارتند از: معنای باطنی آیه، مصداق باطنی آیه، مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق)، مصداق عموم یا اطلاق آیه، تحقق مفاد آیه (مصداق خبرهای غیبی و پیش‌گویی‌های قرآن) و معنای آیه متشابه. همچنین تأویل قرآن در معنای عام علاوه بر شش معنای یادشده، دو معنای دیگر را نیز در بر می‌گیرد که عبارتند از: معنای ظاهری و مصداق ظاهری آیه. بر این اساس، دیدگاه‌های ابن تیمیه، علامه طباطبایی و آیت‌الله معرفت در مورد ماهیت تأویل قرآن قابل نقد خواهد بود.

کلید واژه‌ها: معنای تأویل، تأویل قرآن، روایات تأویلی، ابن تیمیه، علامه طباطبایی، آیت‌الله معرفت

درباره معناشناسی تأویل قرآن دیدگاه‌های متفاوتی از سوی صاحب‌نظران ارایه شده است. از آنجا که اصطلاح تأویل قرآن در آیات و روایات استعمال شده، اما ماهیت و حقیقت آن تعریف نشده است؛ لذا برای فهم حقیقت تأویل قرآن و مراد از آن، بهترین راه‌کار این است که مواردی را که در آیات و روایات، تأویل در مورد قرآن به کار رفته است، مورد مطالعه و دقت قرار گیرد تا بر اساس کاربردهای قرآنی و روایی این اصطلاح، ماهیت تأویل قرآن کشف گردد. از این رو سؤال اصلی این پژوهش آن است که در آیات و روایات، اصطلاح «تأویل قرآن» در چه مواردی به کار رفته است و این کاربردها را چگونه می‌توان دسته‌بندی نمود؟ در این مقاله ابتدا کاربردهای «تأویل قرآن» در آیات و روایات بررسی و دسته‌بندی شده و سپس ماهیت تأویل قرآن مشخص گردیده و بر اساس آن دیدگاه‌های مشهور درباره معناشناسی تأویل قرآن به بوته نقد کشیده شده است.

اهمیت و ضرورت بحث درباره ماهیت تأویل قرآن از این جهت است که با روشن شدن معنای اصطلاحی تأویل قرآن، اولاً یکی از مسائل مورد اختلاف دانشمندان علوم قرآنی که معرکه آراء و دیدگاه‌های گوناگون است، حل شده، و ثانیاً مرز بین تفسیر و تأویل قرآن و نیز نسبت منطقی بین آن دو مشخص خواهد شد.

لازم به ذکر است که تاکنون در مورد معناشناسی تأویل قرآن پژوهش‌هایی صورت پذیرفته که از کتاب «روش‌های تأویل قرآن» محمدکاظم شاکر و مقالات «تأویل قرآن» نوشته علی‌اکبر بابایی (ر.ک: معرفت، شماره ۶، پاییز ۱۳۷۲)، «تأویل قرآن در منظر اهل‌بیت(ع)» نوشته حمید آگاه (ر.ک: پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵ و ۶، بهار و تابستان ۱۳۷۵)، «معناشناسی تأویل در روایات» نوشته محمد فرجاد (ر.ک: پژوهش‌های قرآنی، شماره ۳۷ و ۳۸، بهار و تابستان ۱۳۸۳)، «معناشناسی تأویل قرآن در منظر اهل‌بیت(ع)» نوشته سیدحیدر علوی‌نژاد (ر.ک: حسنا، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۲)، «بررسی مفهوم قرآنی تأویل و مقایسه آن با دیدگاه‌های برخی قرآن‌پژوهان معاصر» نوشته شهاب‌الدین ذوفقاری (ر.ک: حسنا، شماره ۲۱، تابستان ۱۳۹۳)، «تأویل از نگاه تحقیق» نوشته علی نصیری (ر.ک: بینات، شماره ۱۷، بهار ۱۳۷۷) و «تأویل» نوشته محمدکاظم شاکر (ر.ک: دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۷، ص ۹۰ - ۱۱۱) به

عنوان مهم‌ترین آثاری که به عنوان پیشینه این تحقیق به شمار می‌روند، می‌توان نام برد. اما در هیچ یک از تحقیقات یادشده به طور جامع به کاربردهای «تأویل قرآن» در آیات و روایات پرداخته نشده و دسته‌بندی آیات و روایات بر اساس معانی هشت‌گانه «تأویل قرآن» که از کاربردهای قرآنی و روایی آن کشف شده از نوآوری‌های این پژوهش است. همچنین دو تعریف عام و خاص برای «تأویل قرآن» مطرح شده که نسبت به تعاریفی که در آن پژوهش‌ها ارائه شده متفاوت بوده و رابطه منطقی بین تفسیر و تأویل قرآن که بر اساس دو تعریف عام و خاص ارائه شده از نوآوری‌ها محسوب می‌شود. به علاوه، در این تحقیق، ملاک و معیار نقد دیدگاه‌ها درباره ماهیت تأویل قرآن با پژوهش‌های قبلی متفاوت است؛ زیرا در مقاله حاضر بر اساس معانی کشف شده از آیات و روایات به نقد دیدگاه‌ها پرداخته شده که نسبت به نقدهایی که در پژوهش‌های قبلی به این دیدگاه‌ها وارد شده، متفاوت بوده و به نوبه خود، کار جدیدی محسوب می‌شود.

۱- تأویل در لغت

در کتب لغت چهار معنا برای تأویل مطرح شده که عبارت‌اند از: الف- مرجع و عاقبت امر؛ (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۱۲۰؛ ازهری، بی تا: ج ۱۵، ص ۴۵۸؛ ابن فارس، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۵۸؛ جوهری، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۱۲۲۶؛ ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۶۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ص ۳۱) ب- سیاست و تدبیر کردن؛ (ر.ک: ازهری، بی تا: ج ۱۵، ص ۴۵۸) ج- تفسیر کردن؛ (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۱۲۰؛ ازهری، بی تا، ج ۱۵، ص ۴۵۸) د- برگرداندن معنای ظاهر لفظ به معنای غیرظاهر؛ (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۱، ص ۸۰). در کتب لغت یادشده، تأویل در اکثر موارد به معنای وصفی (مرجع و عاقبت امر) و گاهی به معنای مصدری (رجوع و ارجاع دادن) به کار رفته است؛ از آن جا که استعمال تأویل به معنای وصفی شیوع بیشتری دارد، لذا این معنا به عنوان معنای یکم مطرح گردید.

نکته دیگر آن که معانی دوم، سوم و چهارم را می‌توان به معنای اول برگرداند. توضیح آن که درباره معنای دوم می‌توان گفت کسی که تدبیر و سیاست می‌کند پشت قضایا و عاقبت امور را می‌بیند و قضایا را بر اساس نتیجه و سرانجام آنها پیش می‌برد. در مورد معنای سوم یعنی تفسیر کردن، خلیل بن احمد آن را به تفسیر سخنی که معانی مختلفی دارد و فهم معنای صحیح آن نیازمند بیان و توضیح دیگری می‌باشد، تعریف کرده است. (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۱۲۰) به دیگر سخن، تأویل‌گر با ملاحظه

وجوه متعدد معانی، وجه درست را که همان معنای ظاهری نهایی است انتخاب نموده و به لفظ نسبت می‌دهد؛ بنابراین تأویل به معنای سوم به نوع خاصی از تفسیر اطلاق می‌گردد، چنانچه برخی لغویان گفته‌اند: «تأویل عبارت از تفسیر و بیان عاقبت و سرانجام یک امر است.» (جوهری، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۱۲۲۶) تأویل به معنای چهارم نیز ممکن است به معنای یکم برگردد با این بیان که معنای غیرظاهر کلام همان معنای باطنی، عمیق و غایت معانی کلام است.

به نظر می‌رسد برخی بررسی‌های لغوی متأخر و معاصر که با تکیه بر نظر ابن فارس، تأویل را از اضداد شمرده و آن را هم به معنای ابتدای امر و هم به معنای انتهای امر دانسته است؛ (ر.ک: فیروزآبادی، بی تا: ج ۱، ص ۷۹؛ شاکر، ۱۳۸۲: ص ۱۹) قابل ملاحظه باشد؛ زیرا ابن فارس در هیأت فعلی ماده «أول» که تأویل، ناظر به آن است، از معنای ابتدای امر سخنی به میان نیاورده است؛ بلکه وی برای ماده «أول» دو اصل و ریشه معنایی متفاوت معرفی می‌کند که اصل یکم به معنای ابتدای امر است که در واژه «أول» مشاهده می‌شود؛ و اصل دوم به معنای انتهای امر است که آن را در صورت‌های متعددی از این ماده از جمله در واژه «تأویل» مورد توجه قرار داده است. (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۵۸) از این رو ضرورتی ندارد معنای ابتدای امر را در باب تأویل کلام جستجو نموده و تأویل کلام به معنای انگیزه و قصد اولیه گوینده دانسته شود. (ر.ک: اسعدی، ۱۳۹۰: ص ۱۵۳)

نتیجه آن که معنای اصلی تأویل، عاقبت و سرانجام یک امر است و «تأویل کلام» همان مقصود اصلی و نهایی کلام خواهد بود.

۲- کاربردهای «تأویل قرآن» در آیات و روایات

ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات تعریف نشده است؛ از این رو برای فهم چستی تأویل قرآن باید آیات و روایاتی که در آنها تأویل در مورد قرآن به کار رفته است، مورد مطالعه و دقت قرار گیرد و معنای مراد از آن در هر مورد تشخیص داده شده و با نظر به همه موارد، به حقیقت آن پی برده شود. لفظ تأویل، در ضمن هفت سوره از قرآن کریم هفده بار استعمال شده است. (ر.ک: یوسف: ۶، ۲۱، ۳۶، ۳۷، ۴۴، ۴۵، ۱۰۰، ۱۰۱؛ کهف: ۷۸ و ۸۲؛ نساء: ۵۹؛ و اسراء: ۳۵؛ اعراف: ۵۳؛ یونس: ۳۹؛ آل عمران: ۷) از هفده مورد یادشده، پنج مورد آن در مورد قرآن به کار رفته است که دو بار به اتفاق مفسرین به معنای «مقصود از آیات متشابه» (ر.ک: آل عمران: ۷) و سه بار به حسب ظاهر و به نظر



مشهور به معنای «مصدق و تجسم عینی وعد و وعیدها و خبرهای قرآن در زمینه آخرت» (ر.ک: اعراف: ۵۳؛ یونس: ۳۹) می‌باشد. در روایات، کلمه تأویل در مورد قرآن در پنج معنا استعمال شده است که عبارتند از: معنای ظاهری آیات، مصداق ظاهری آیات، معنای باطنی آیات، مصداق باطنی آیات و معنای آیات متشابه.

اینک هریک از معانی مذکور را با شواهدی از آیات و روایات مطرح می‌کنیم:

۲-۱- معنای ظاهری آیات

مراد از معنای ظاهری آیه، معنایی است که آیه شریفه، ظهور در آن معنا داشته باشد. در برخی از احادیث، تأویل به معنی «معنای ظاهری آیات» استعمال شده است. بر اساس روایت نعمانی، امام صادق (ع) از قول امیرالمؤمنین (ع) در تبیین مراد از «هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا» (مریم: ۶۵) می‌فرماید: «تأویلش این است که آیا احدی غیر از خدای تبارک و تعالی می‌شناسی که اسمش الله باشد.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۰، ص ۱۳۶) در این حدیث معنای ظاهری آیه، تأویل نامیده شده است.

در همین روایت امیرالمؤمنین (ع) راجع به آیه «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» (مائده: ۶) می‌فرماید: «این آیه از آیات محکمی است که تأویل آن در تنزیلش می‌باشد؛ یعنی در بیان تأویل آن، به چیزی بیش از تنزیل و ظاهر آیه نیازمند نیستیم.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۰، ص ۱۲) «تأویل» در این جا نیز به معنای تنزیل یعنی معنای ظاهری آیه به‌کار رفته است. به نظر می‌رسد که غیر از همین دو مورد کاربرد در روایت نعمانی، در روایت دیگری تأویل قرآن به این معنا استعمال نشده است.

۲-۲- مصداق ظاهری آیات

مراد از مصداق ظاهری آیات، تطبیقات خارجی آیات به لحاظ معنای ظاهری آیه در بستر نزول می‌باشد. در ادامه به چند نمونه از این روایات اشاره می‌کنیم.

الف- ابوبصیر از امام باقر (ع) نقل کرده است که فرمود: «خداوند آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳) را در کتابش نازل کرد و تأویل آن علی، حسن، حسین

و فاطمه هستند» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۲۵۰) چنانچه ملاحظه می‌شود، در این حدیث، مصادیق عینی مفاد آیه تطهیر در بستر نزول، تأویل آن شمرده شده است.

ب- از امام کاظم (ع) درباره آیه «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ» (آل عمران: ۶۱) روایت شده است که فرمود: «تأویل «أَبْنَاءَنَا» حسن و حسین و تأویل «نِسَاءَنَا» فاطمه و تأویل «أَنْفُسَنَا» علی است.» (بحرانی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۷۱۵) در این حدیث نیز مصادیق خارجی «أَبْنَاءَنَا»، «نِسَاءَنَا» و «أَنْفُسَنَا» در بستر نزول، تأویل آنها شمرده شده است. برحسب تتبع نگارنده، به جز دو روایت مذکور، در روایت دیگری تأویل قرآن به معنای مصادیق ظاهری به کار نرفته است.

۲-۳- معنای باطنی آیات

از روایات فراوانی استفاده می‌شود که آیات قرآن علاوه بر معنای ظاهری از معانی، مقاصد و معارف عمیق باطنی برخوردار است که همگان را یارای فهم آن نمی‌باشد و علم آن ویژه «راسخان در علم» است. اصل وجود باطن برای قرآن، مورد اتفاق خاصه و عامه است و روایات فراوانی که به تواتر معنوی رسیده بر آن دلالت دارد. (ر.ک: شاکر، ۱۳۷۶: ۸۷-۹۱). در برخی از روایات ضمن پذیرفته شدن این که قرآن کریم دارای بطن و بطون (معانی باطنی) است، بطن آن «تأویل» نامیده شده است. فضیل بن یسار از امام باقر (ع) سؤال می‌کند که مقصود از ظهر و بطن قرآن چیست؟ حضرت فرمود: «ظهر قرآن، تنزیل آن و بطن قرآن، تأویل آن می‌باشد؛ بخشی از تأویل قرآن محقق شده و بخش دیگر آن هنوز محقق نشده است؛ قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۱۱)

احادیث زیر ناظر به این نوع از تأویل قرآن می‌باشد:

الف- علی بن جعفر گوید: از برادر امام کاظم (ع) درباره تأویل آیه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ.» (ملک: ۳۰) سؤال نمودم؛ آن حضرت فرمود: «آن‌گاه که امامتان را از دست دهید و او را مشاهده نکنید، چه می‌کنید؟» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۶۰) چنان‌که می‌بینید، امام (ع) تفسیر بطن آیه را به عنوان تأویل آن بیان نموده است؛ زیرا مفاد ظاهری آیه مزبور به اهمیت نعمت آب در حیات مادی اشاره دارد، ولی در معنای باطنی، به نعمت حضور امام و حجّت خدا که مایه حیات و طهارت معنوی بشر است، اشاره شده است.



ب- در روایتی از امام کاظم (ع) تأویل آیه «وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ آمَنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا» (جن: ۱۳) چنین مطرح شده است: «مراد از هدی ولایت است. ما به ولایت مولای خود ایمان داریم؛ پس هر کس به ولایت مولایش ایمان آورد، از هیچ زیان و ستمی نهراسد.» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۴۱۷) قابل توجه است که در این آیه سخن از ایمان به هدایت الهی است، ولی در روایت به ولایت اولیای الهی تأویل شده است.

ج- از امام صادق (ع) درباره آیه «مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲) پرسش شد، آن حضرت فرمود: مقصود از زنده کردن شخص، نجات دادن او از سوختن و غرق شدن می‌باشد. به امام (ع) عرض شد: جابر از پدر بزرگوارتان روایت کرده که مقصود از آن، نجات دادن شخص از گمراهی است، حضرت فرمود: آن معنی، تأویل آیه است. (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۲، ص ۲۳۹) در این روایت، نجات از گمراهی که از معانی باطنی احیای نفس است، به عنوان تأویل آیه کریمه نامیده شده است؛ ولی انطباق مفهوم آیه (احیای نفس) بر آن، در نزد عرف پوشیده است. سبب خفاء، آن است که انطباق آیه کریمه بر آن، مبتنی بر توسعه مفهوم عرفی احیا و تعمیم آن به احیای معنوی است که محتاج به تبیین می‌باشد.

د- از امام حسین (ع) روایت شده که فرمود: «وقتی خداوند تبارک و تعالی آیه: وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» (احزاب: ۶) را نازل فرمود از رسول خدا (ص) در مورد تأویل آن پرسیدم. حضرت فرمود: به خدا سوگند! خداوند جز شما را قصد نکرده و شما اولوالارحام هستید. هنگامی که من رحلت کنم، پدرت علی نسبت به من و جایگاه من سزاوارتر است. زمانی که پدرت رحلت نمود، برادرت حسن سزاوارتر به آن است. وقتی که حسن رحلت نمود، تو سزاوارتر به آن هستی. گفتم ای رسول خدا! بعد از من چه کسی سزاوارتر به من است؟ فرمود: بعد از تو فرزندان علی، سزاوارتر به تو است. پس از او فرزندش محمد، سزاوارتر به او است. پس از او فرزندش جعفر، سزاوارتر به او و جایگاهش است. پس از او فرزندش موسی، سزاوارتر به او است. پس از او فرزندش علی، سزاوارتر به او است. پس از او فرزندش محمد، سزاوارتر به او است. پس از او فرزندش حسن، سزاوارتر به او است. هنگامی که حسن رحلت نمود در نهمین از فرزندان تو غیبت واقع خواهد شد.» (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ص ۱۷۵-۱۷۶) مراد از اولویت در آیه مورد بحث که فرمود: وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ، اولویت در توارث (از یکدیگر ارث بردن) است. (رک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۶، ص ۲۷۷) اما

در این روایت به اولویت در ارث بردن مقام امامت، تأویل شده است؛ لذا تأویل در این احادیث از نوع بیان معنای باطنی آیه محسوب می‌گردد.

۴-۲- مصداق باطنی آیات

مراد از مصداق باطنی آیات، امور خارجی و واقعیات عینی به لحاظ معنای باطنی آیات است. در پاره‌ای از روایات، مصادیق برجسته‌ای از مفاهیم باطنی آیات کریمه، تأویل نامیده شده است. در این جا به ذکر بخشی از آن روایات می‌پردازیم.

الف- فضیل بن یسار گوید: از امام باقر(ع) درباره آیه «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً» (مانده: ۳۲) پرسیدم. فرمود: «یعنی هر کس شخصی را از سوختن یا غرق شدن نجات دهد. گفتیم: پس کسی که دیگری را از گمراهی هدایت کند چه؟ فرمود: این تأویل اعظم آیه است.» (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۲۳۲)

ب- حمران بن اعین گوید: از امام صادق(ع) درباره آیه «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً» (مانده: ۳۲) پرسیدم. فرمود: «یعنی هر کس شخصی را از سوختن یا غرق شدن نجات دهد. آن گاه پس از لحظه‌ای سکوت فرمود: تأویل اعظم آیه این است که شخصی را (به حق) دعوت کند و او وی را اجابت نماید.» (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۲۳۲)

در این دو روایت، شخصی که شخص دیگر را هدایت و دعوت به حق کند به عنوان تأویل اعظم «مَنْ أَحْيَاهَا» مطرح شده است. روشن است که این شخص، مصداق باطنی آیه است نه معنای باطنی؛ بنابراین در روایت «ج» که در ذیل عنوان معنای باطنی آیه مطرح شد، به بیان معنای باطنی آیه مذکور پرداخته شده بود؛ اما در این دو روایت به بیان مصداق باطنی آیه پرداخته شده است.

ج- امام باقر(ع) تأویل آیه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» (ملک: ۳۰) را قائم آل محمد(ع) دانسته و فرموده است: «به خدا سوگند تأویل این آیه هنوز نیامده است؛ ولی تأویل آن حتماً خواهد آمد.» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۶) در این روایت امام زمان(ع) که مصداق معنای باطنی «ماء» به شمار می‌رود به عنوان تأویل آیه مطرح شده است. لازم به ذکر است در روایتی که از امام کاظم(ع) درباره همین آیه در ذیل عنوان معنای باطنی آیات آوردیم به شرح معنای باطنی آیه یعنی از



دست دادن امام پرداخته شده بود؛ اما در این روایت به بیان مصداق باطنی آیه یعنی شخص امام زمان (ع) پرداخته شده است.

از مجموع روایات در این قسم استفاده می‌شود که به مصادیق مستور و پنهان آیات کریمه، تأویل اطلاق شده و یکی از اقسام تأویل قرآن، همین مصداق مستور و پنهان است که مورد غفلت عامه مردم قرار می‌گیرد.

۲-۵- مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق)

در برخی از احادیث به مصادیق زمان نزول که آیات، ناظر به آنها بوده ظهر و تنزیل گفته شده و به مصادیق مشابه آنها که مفاهیم کلی آیات با صرف نظر از مورد نزول، در همه زمان‌ها بر آن قابل انطباق می‌باشد، بطن و تأویل گفته شده است. امام باقر(ع) می‌فرماید: «ظاهر قرآن همان مصداق‌ها (اسباب و شأن نزول‌ها) و مواردی است که آیات درباره آنها نازل شده است و باطن قرآن مصداق‌ها و اشخاصی هستند که (در آینده می‌آیند و) مانند گذشتگان (که آیات درباره آنها نازل شده است) عمل می‌کنند.» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱) یعنی آنچه درباره آنان نازل شده، نسبت به اینان نیز صدق می‌کند. گرچه در این حدیث، سخنی از تأویل قرآن به میان نیامده است، اما در جای دیگر، امام باقر(ع) می‌فرماید: ظاهر قرآن، تنزیل آن و باطن قرآن، تأویل آن می‌باشد، بخشی از تأویل آن گذشته است و بخشی هنوز تحقق نیافته، قرآن بسان خورشید و ماه، در حرکت است.» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱) همچنین از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: «قرآن تأویلی دارد که بخشی از آن تحقق یافته و بخشی از آن محقق نشده است؛ هنگامی که تأویل آن در زمان یکی از امامان تحقق یابد، امام آن عصر آن را می‌شناسد.» (صفار، ۱۴۰۴: ۱۹۵) نیز از پیامبر(ص) نقل شده است که: «در میان شما کسی است که بر تأویل قرآن قتال می‌کند چنان‌که من بر تنزیل آن قتال کردم و او علی بن ابی طالب است.» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۵)

در این روایات، تأویل قرآن به مصادیقی توصیف شده که فراتر از سبب و شأن نزول آیات می‌باشند و بعضی از آنها تا زمان امام باقر(ع) و امام صادق(ع) روی داده و بعضی از آنها پس از ایشان واقع خواهند شد. به دیگر سخن، لفظ تأویل در مورد «مصداق آیه در گذر زمان» استعمال شده است. این همان قاعده «جری و تطبیق» است که در روایات یادشده به آن اشاره شده است. بدین معنا که قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد و بر مصادیق جدید تطبیق می‌یابد. این نوع احادیث بر فرازمانی بودن،

پویایی و تازگی قرآن برای هر عصر و نسل، تأکید می‌کند. در این جا چند نمونه از این روایات را نقل می‌کنیم.

الف- از امام باقر(ع) درباره آیه «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ» (قصص: ۸۵) نقل شده که ایشان رجعت معصومان(ع) را تأویل آیه دانسته و جابر جعفی را به خاطر دانش این تأویل ستوده است. (رک: قمی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۱۴۷) در این روایت، آیه شریفه بر رجعت به عنوان واقعه‌ای خارجی که در آینده رخ خواهد داد تطبیق و تأویل شده است؛ در حالی که معنای ظاهری آیه به بازگشت پیامبر(ص) به مکه پس از هجرت اشاره دارد.

ب- امام صادق(ع) درباره آیه «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَت إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَ تَفِيءٍ بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ» (حجرات: ۹) می‌فرماید: تأویل این آیه در حادثه بصره تحقق یافت و آنان اهل این آیه بودند که بر امیرالمؤمنین(ع) شوریدند، پس بر آن حضرت لازم بود که با آنان بجنگد تا به امر الهی گردن نهند. (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۵، ص ۴۲۹) در این حدیث، یکی از مصادیق آیه در گذر زمان به عنوان تأویل آن نامیده شده است.

ج- محمدبن مسلم می‌گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که فرمود: برای قیام قائم(ع) علاماتی است که از جانب خدای عزوجل برای مؤمنان واقع خواهد شد. عرض کردم: فدایت شوم آن علامات چه هستند؟ فرمود: آن علامات در آیه «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۵) مطرح شده‌اند. خداوند قبل از خروج قائم(ع) مؤمنان را به خوف از پادشاهان، گرسنگی ناشی از گرانی قیمتها، نقص اموال ناشی از کسادی تجارتها، نقص انفس در اثر مرگ ناگهانی و کمبود میوه‌ها در اثر رشد اندک زراعت می‌آزماید. در این زمان صابران را به تعجیل فرج بشارت ده. سپس فرمود: ای محمد! این‌ها تأویل آیه‌اند. خدای عزوجل می‌فرماید: تأویل قرآن را جز خدا و راسخان در علم نمی‌دانند. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۴۹) همان‌طور که ملاحظه می‌شود امام(ع) مصادیق امتحان مردم در دوران قبل از ظهور امام زمان(ع) را به عنوان تأویل آیه شریفه مطرح نموده است.

د- رسول خدا(ص) درباره آیه «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ» (انعام: ۶۵) فرموده است: «مضمون آیه حتماً محقق خواهد شد و هنوز تأویل آن فرا نرسیده



است.» (ترمذی، ۱۴۳۰: کتاب تفسیرالقرآن، ح ۲۹۹۲) در این روایت، پیامبر اکرم (ص) تحقق عذابی که در آیه شریفه مطرح شده تحت عنوان تأویل آیه معرفی فرموده است.

ه- در جنگ مسلمانان با رومیان یکی از مسلمانان به صف رومیان حمله ور شد. برخی در انتقاد به این حرکت او آیه «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره: ۱۹۵) را قرائت کرده و عمل او را مصداق این آیه شمردند. ابو ایوب انصاری به انتقاد آنان چنین پاسخ داد: «شما آیه را این گونه تأویل می‌کنید؟! در حالی که این آیه درباره ما انصار نازل شده است... این آیه وقتی نازل شد که گروهی از انصار به یکدیگر می‌گفتند: اموالمان را در راه رسول خدا (ص) ضایع کردیم... مراد از تهلکه در این آیه، وابستگی به اموال و ترک جنگ است.» (ترمذی، ۱۴۳۰: کتاب تفسیرالقرآن، ح ۲۸۹۸) چنانچه ملاحظه می‌شود ابو ایوب انصاری تطبیق آیه شریفه بر مصداق جدید در گذر زمان را تأویل نامیده است که این شاهد بر این است که از صدر اسلام در بین اصحاب رسول خدا (ص) این گونه جری و تطبیق‌ها به عنوان تأویل آیات شناخته می‌شده است.

۲-۶- مصداق عموم یا اطلاق آیه

در بسیاری از آیات قرآن کریم، واژه‌ها یا عباراتی به صورت عام یا مطلق آمده است که بر مصادیق متعددی تطبیق می‌کنند. در روایات تفسیری متعددی که در ذیل این گونه از آیات نقل شده است به بیان مصداق عموم یا اطلاق آیه پرداخته شده است. در برخی از این روایات ضمن بیان این نوع از مصادیق آیات، تصریح شده است که این مصادیق در زمره تأویل آیه به شمار می‌آیند. ضمناً گاهی اوقات از برخی مصادیق عموم یا اطلاق آیه، تحت عنوان مصداق اتم و اکمل نام برده شده است.

لازم به ذکر است که مصداق عموم یا اطلاق آیه با مصداق باطنی آیه متفاوت است؛ زیرا مصداق عموم یا اطلاق آیه برای غیرمعصوم نیز قابل فهم است، اما تشخیص مصداق باطنی آیه فقط در اختیار معصوم است و اگر بر فرض، غیرمعصوم چنین مصادیقی را بیان کند، فاقد حجیت است.

اینک به نقل برخی از این روایات می‌پردازیم.

الف- امام صادق(ع) در ذیل آیه «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» (رعد: ۲۱) فرمودند: «از جمله پیوندهای مورد نظر آیه، صله رحم است و تأویل نهایی و اتم آن، پیوند تو با ما است.» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲ ص ۲۰۸) روشن است که عبارت «ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» در آیه یادشده، عام بوده و در این روایت از پیوند با ائمه(ع) که مصداق اتم عموم آیه می باشد، به عنوان تأویل نهایی آن یاد شده است.

ب- برید کناسی می گوید: از امام باقر(ع) در مورد آیه «يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ» (مائده: ۱۰۹) سؤال کردم. حضرت فرمود: برای این آیه تأویلی می باشد و آن این است که خداوند در روز قیامت به انبیا می فرماید: از ناحیه امت هایتان درباره جانشینانی که پس از خود در میان آنها قرار دادید چه پاسخی داده شدید؟ آنها می گویند: ما نسبت به آنچه بعد از ما با ایشان کردند خبر نداریم.» (بحرانی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۳۷۸)

در این آیه می گوید: از آن روز بترسید که خداوند پیامبران را جمع می کند و از آنها درباره رسالت و مأموریتشان سؤال می کند و می گوید: مردم در برابر دعوت شما چه پاسخی گفتند؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۵، ص ۱۱۹) عبارت «ماذَا أُجِبْتُمْ» در آیه مذکور به صورت مطلق آمده است؛ یعنی مردم در برابر مطلق دعوت انبیا اعم از دعوت به توحید، نبوت و جانشینانشان چه پاسخی دادند؟ اما در روایت فوق، برای عبارت «ماذَا أُجِبْتُمْ» مصداق دعوت انبیا به جانشینانشان به عنوان تأویل یاد شده است که این مصداق به عنوان مصداق اطلاق آیه می تواند مطرح باشد.

ج- عمّار ساباطی از امام صادق(ع) نقل کرده که فرمود: «تأویل آیه «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر/۹) چنین است: آیا کسانی که می دانند محمد(ص) فرستاده خداست و کسانی که آن را نمی دانند و او را ساحر و دروغگو می پندارند، مساوی هستند؟» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۵، ص ۴۷۳)

عبارت «الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» مطلق است و حضرت یکی از مصادیق آن و یا مصداق اتم آن را به عنوان تأویل مطرح نموده است.



روایات تفسیری فراوانی در منابع روایی وجود دارد که بدون آن‌که در آنها تصریح شود که تأویل آیه را بیان می‌کنند به بیان مصداق عام یا مطلق واژه یا عبارتی از آیات قرآن پرداخته شده است. (رک: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۴، ص ۲۹۹، حدیث ۳ به بعد)

۷-۲- تحقق مفاد آیه (مصداق خبرهای غیبی و پیش‌گویی‌های قرآن)

در برخی از آیات و روایات مصداق خارجی و تجسم عینی وعده‌ها و پیش‌گویی‌های قرآن کریم تأویل آن آیات نامیده شده است. به دیگر سخن، در برخی آیات وعد و وعیدهایی داده شده است که در زمان نزول آیه، مصداق بالفعل نداشته و آن وعده‌ها در آینده محقق خواهند شد. به مصادیق این خبرهای غیبی و پیش‌گویی‌ها که در آینده تحقق می‌یابند، اطلاق تأویل قرآن شده است.

فرق بین تحقق مفاد آیه با مصداق باطنی آیه این است که تحقق مفاد آیه برای غیرمعصوم نیز قابل فهم است، اما تشخیص مصداق باطنی آیه فقط در اختیار معصوم است و اگر بر فرض، غیرمعصوم چنین مصادیقی را بیان کند، فاقد حجیت است. همچنین فرق بین تحقق مفاد آیه با مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) این است که تحقق مفاد آیه، فقط یک مصداق دارد و یکبار مفاد آیه در آینده محقق می‌شود، اما مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) مصادیق متعدد در گذر زمان دارد. به علاوه، در جری و تطبیق، یک مصداق برای تنزیل و زمان نزول آیه و یک یا چند مصداق برای تأویل آیه در گذر زمان وجود دارد، اما در تحقق مفاد آیه، مصداقی در زمان نزول آیه وجود ندارد و فقط یک مصداق در آینده محقق می‌شود.

در آیات زیر، کلمه تأویل به حسب نظر مشهور، در مورد قرآن به‌کار رفته و ظاهراً مراد از آن همان مصداق عینی وعد و وعیدهای قرآن کریم و اخبارهای آن از جهان آخرت است:

الف- «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ» (اعراف: ۵۳)

اظهر آن است که مراد از تأویل قرآن در این آیه کریمه، همان مصداق خارجی و تجسم عینی خبرها و وعد و وعیدهایی است که قرآن کریم در زمینه آخرت بیان داشته است و ماهیت آنها در این جهان برای انسان پنهان است. (رک: طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۴، ص ۶۵۷)

ب- «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلْمِهِ وَاَلَمْ يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ» (یونس: ۳۹)

در این آیه، ظاهراً ضمیر «تأویله» به «مالم یحیطوا» بر می‌گردد. به نظر می‌رسد با توجه به «لما یا تهم تأویله» اظهر در تفسیر «مالم یحیطوا» همان تفسیر به وعد و وعیدها و اخبار قرآن از آخرت، بهشت و جهنم است. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵، ص ۱۶۷) در نتیجه، معنای تأویل در این آیه کریمه نیز همان معنایی است که در آیه گذشته بیان شد. یعنی مراد از آن، مصداق خارجی و حقیقت عینی وعد و وعیدهای قرآن و اخبارهای غیبی آن نسبت به عالم آخرت است؛ زیرا کلمه «اتیان تأویل» مناسب با چنین معنایی است.

در برخی از روایات نیز مصداق خارجی و تجسم عینی وعده‌ها و پیش‌گویی‌های قرآن کریم تأویل آن آیات نامیده شده است. از جمله:

الف- بر اساس روایت نعمانی از امیرالمؤمنین (ع) آیاتی که تأویل آن پس از تنزیل آن می‌آید، آیاتی است که خداوند در آنها از آنچه در آینده رخ خواهد داد، خبر می‌دهد؛ از قبیل رجعت، قیامت و نشانه‌های آن؛ چنان‌که در این آیات آمده است: «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ» (اعراف: ۵۳) «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵) «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا لِيُغْشَىٰ الْأَرْضَ وَنَجْعَلَهُمْ أَزْوَاجًا وَيُحْمَلَ أَرْثَهُمْ فِيهَا وَنَجْعَلَهُمُ الْآيَاتِ الْكُرَىٰ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (سجده: ۵۰) «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلا يُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ» (نور: ۵۵) «غَلَبَتِ الرُّومُ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ فِي بَضْعِ سِنِينَ» (روم: ۲) «وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ» (اسراء: ۴) (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۰، ص ۷۷) در این حدیث، تحقق وعده‌ها و پیش‌گویی‌های مطرح شده در آیات یادشده، تأویل آنها دانسته شده است.

ب- امام صادق (ع) درباره آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۳) فرمود: «به خدا سوگند! تأویل این آیه محقق نخواهد شد تا زمانی که قائم (ع) ظهور کند.» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۷۰) آیه یادشده از چیرگی و غلبه دین حق بر همه ادیان باطل خبر می‌دهد و امام صادق (ع) فرموده که این پیشگویی قرآن هنگام ظهور امام زمان (ع) تحقق خواهد یافت.



ج- امام باقر(ع) در مورد آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» (انفال: ۳۹) فرمود: «تأویل این آیه هنوز نیامده است. رسول خدا(ص) به اهل کتاب اجازه بقاء بر دینشان را داد؛ اما وقتی تأویل آیه تحقق یابد، از آنها نمی‌پذیرد و آنها کشته می‌شوند تا خدا را به وحدانیت بپذیرند و شرکی باقی نماند.» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۵، ص ۴۷۰) در این روایت، تحقق وعده‌ای که در آیه شریفه داده شده به عنوان تأویل آیه مطرح شده است.

د- ابو عبیده گوید: از امام باقر(ع) درباره آیات «الْمِ غَلَبَتِ الرُّومُ» (روم: ۱-۲) سؤال کردم. حضرت فرمود: تأویل این آیات را کسی جز خدا و راسخان در علم از آل محمد(ص) نمی‌داند و آن چنین است که وقتی پیامبر(ص) به مدینه هجرت کرد نامه‌ای به پادشاه روم و نامه دیگری به پادشاه ایران نوشت و آنها را به اسلام دعوت کرد. پادشاه روم نامه و فرستاده رسول خدا(ص) را گرامی داشت ولی پادشاه ایران نامه را پاره کرده به فرستاده او اهانت کرد. در آن زمان روم و فارس با یکدیگر در حال جنگ بودند و مسلمانان تمایل داشتند که رومیان بر فارسیان پیروز شوند ولی خلاف آن تحقق یافت و خاطر مسلمانان آزرده شد. در این هنگام آیات اول سوره روم نازل شد و شکست قریب‌الوقوع فارسیان را بشارت داد که این امر بعداً تحقق یافت ... ای ابو عبیده! مگر نگفتم که این آیات تأویل و تفسیر دارد؟» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۵، ص ۶۱۰) در این روایت نیز تحقق پیشگویی قرآن درباره شکست ایرانیان توسط رومیان به عنوان تأویل آیه مطرح شده است.

۲-۸- معنای آیه متشابه

معنای چهارگانه گذشته درباره تأویل قرآن ناظر به همه آیات قرآن اعم از محکم و متشابه بود، اما معنای پنجم به آیات متشابه اختصاص دارد. آیات متشابه آیتی است که ظهور در معنای شبه‌انگیز دارند. به دیگر سخن، تشابه در آیات متشابه، تشابه حق و باطل است به گونه‌ای که سخن حق گونه خداوند، باطل گونه جلوه‌گر می‌شود. (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۸: ۲۳۶) به همین دلیل است که آیات متشابه نیاز به تأویل دارند تا معنای اصلی آنها که فراتر از معنای ظاهری بوده و به گونه‌ای می‌توان آن را به عنوان معنای باطنی آیه محسوب نمود، آشکار گردد. دلیل این‌که معنای اصلی آیه متشابه را می‌توان به عنوان معنای باطنی آیه به شمار آورد آن است که طبق آیه هفتم آل عمران فقط خدا و راسخان در علم بر این معنا آگاهی دارند. بدیهی است که اگر این معنا ظاهر و آشکار بود دیگران نیز مطلع می‌شدند.

در آیه «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (آل عمران: ۷) تأویل بر معنای اصلی آیه متشابه، اطلاق شده است؛ بنابراین پنجمین معنای تأویل قرآن عبارت از معنای آیه متشابه می‌باشد.

همچنین در برخی از روایات نیز معنای اصلی آیه متشابه، تأویل نامیده شده است، مانند روایات زیر:

الف- از امام علی (ع) نقل شده است که فرمود: «تأویل قول ابراهیم (ع) که فرمود: «إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي» (صافات: ۹۹) آن است که ایشان به عبادت خداوند و تلاش در راه او توجه کرد.» (صدوق، ۱۳۹۸: ۲۶۶)

ب- در خبری از مقاتل نقل شده است که: «تأویل «يَا أُخْتُ هَارُونَ» (مریم: ۲۸) «يَا مَنْ هِيَ مِنْ نَسْلِ هَارُونَ» است؛ همان طور که خداوند فرمود: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا» (اعراف: ۶۵) «وَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا» (اعراف: ۷۳) که مراد از (برادر ایشان) آن است که حضرت هود و صالح از نسل ایشان است.» (سید مرتضی، ۱۹۹۸: ج ۲، ص ۱۹۷)

ج- از امام علی (ع) نقل شده است که فرمود: «چه بسا آیاتی از قرآن کریم که تأویل آن غیر از تنزیل آن است. مانند: «وَأَنْزَلْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ» (زمر: ۶) و «أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ» (حدید: ۲۵) در این دو آیه مراد خداوند از نازل کردن، آفریدن است؛ ... و آیه «بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ» (سجده: ۱۰) که در آن، بعث را لقاء نامیده است؛ و در آیات «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ آيَاتَهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ» (بقره: ۴۶) و «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ آيَاتَهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ» (مطففین: ۴-۵) که مراد از ظن، یقین می‌باشد.» (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۲۵۰) روشن است که آیات مطرح شده در این روایت، همگی ظهور در معنای شبهه‌انگیز داشته و متشابه‌اند که امیرمؤمنان (ع) تأویل را بر معنای اصلی آنها اطلاق نموده است.

د- امام علی (ع) درباره تأویل آیه «أَنَا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/۱۵۶) به اشعث بن قیس فرمود: «وقتی می‌گویی «إِنَّا لِلَّهِ» اقرار می‌کنی که ملک خدا هستی و وقتی می‌گویی «إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» اقرار می‌کنی که فانی می‌شوی.» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۵، ص ۶۴۲) از آن‌جا که جمله «أَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» ظهور در معنای شبهه‌انگیز دارد لذا متشابه است و امیر مؤمنان (ع) تأویل را بر معنای اصلی این بخش از آیه، اطلاق نموده است. در صورتی که گفته شود تأویل بر معنای جمله «أَنَا لِلَّهِ» نیز اطلاق شده است؛ در پاسخ می‌گوییم که این بخش از روایت مربوط به معنای ظاهری آیه می‌شود که در دسته اول به آنها اشاره شده است. به دیگر سخن، بخش اول این روایت مربوط به نوع اول تأویل قرآن یعنی معنای ظاهری آیه و بخش دوم آن مربوط به نوع هشتم تأویل قرآن یعنی معنای آیه متشابه می‌شود.



از مجموع انواع تأویل آیات در روایات تفسیری اهل بیت (ع) چنین برداشت می‌شود که تأویل قرآن از دیدگاه اهل بیت (ع) هشت نوع می‌باشد. البته می‌توان این انواع هشت‌گانه را در دو معنای عام و خاص برای تأویل قرآن تقسیم نمود. تأویل قرآن به معنای عام همه انواع هشت‌گانه را در بر می‌گیرد؛ اما تأویل قرآن به معنای خاص فقط شامل نوع سوم تا هشتم است. دلیل این تقسیم آن است که: اولاً با مرور روایات تفسیری که در این مقاله مطرح شد، مشاهده می‌شود که نوع اول تأویل قرآن یعنی معنای ظاهری آیه، فقط در دو جای یک روایت (روایت نعمانی) مطرح شده، و نوع دوم یعنی مصداق ظاهری آیه، تنها در دو روایت، ذکر شده است؛ بنابراین اکثر روایات، مربوط به نوع سوم تا هشتم است، که این مطلب نشان می‌دهد که کاربرد اصطلاح تأویل قرآن در لسان اهل بیت (ع) بیشتر ناظر به نوع سوم تا هشتم است. ثانیاً طبق بررسی لغوی که در صدر مقاله صورت پذیرفت، تأویل قرآن به معنای خاص (نوع سوم تا هشتم) با معنای لغوی تأویل که به معنای غایت و انتهای امر است، کاملاً هماهنگ می‌باشد.

نکته دیگر آن‌که، دو نوع اول تأویل قرآن یعنی معنا و مصداق ظاهری آیه در حوزه تفسیر قرآن قرار می‌گیرد؛ اما طبق آنچه در بررسی معنای لغوی تأویل گذشت که لغت‌شناسان یکی از معانی تأویل را تفسیر کردن دانستند؛ لذا تأویل قرآن به معنای عام شامل تفسیر نیز می‌شود؛ از این رو در روایات تفسیری، به این دو نوع نیز اطلاق تأویل شده است. بنابراین تأویل قرآن به معنای عام، اعم از تفسیر است و نسبت آن با تفسیر، عموم و خصوص مطلق است؛ ولی تأویل قرآن به معنای خاص نسبتش با تفسیر، تباین است.

۳- بررسی و نقد دیدگاه‌های مشهور درباره ماهیت تأویل قرآن

پس از بررسی ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات، اینک بر اساس این مستندات قرآنی و روایی به بررسی و نقد دیدگاه‌های مشهور درباره معنای اصطلاحی تأویل قرآن می‌پردازیم. لازم به ذکر است در پژوهش‌های قبلی که بخشی از آنها در پیشینه مقاله معرفی شد به نقد این دیدگاه‌ها پرداخته شده است؛ اما نوآوری این مقاله در این است که بر اساس مستندات قرآنی و روایی که تاکنون مطرح شد دست به نقد این دیدگاه‌ها زده شده است که در پژوهش‌های قبلی سابقه ندارد. بنابراین همان‌طور که از عنوان مقاله بر می‌آید ما فقط در صدد نقد دیدگاه‌های مشهور بر اساس دلایل، مؤیدات و شواهد قرآنی و روایی هستیم.

۳-۱- دیدگاه ابن تیمیة درباره ماهیت تأویل قرآن

«کاربرد واژه تائویل به معنای تحقق وعده‌ها و وعیده‌های قرآن در برخی از آیات و نیز همین نوع کاربرد در برخی روایات سبب شده تا در نزد برخی این نظریه قوت گیرد که اساساً تائویل در اصطلاح قرآن ناظر به حوزه معناشناسی گزاره‌های قرآنی نیست، بلکه در همه مواردی که تائویل به قرآن اضافه شده و از جمله آیه ۷ آل عمران، حقیقت خارجی مفاهیم قرآنی اراده شده است. ابن تیمیه (م ۷۲۸ق) در آثار خود بر این نظریه تأکید ورزیده، معتقد است که تائویل، لفظ مشترک بین سه معناست: ۱. حقیقت خارجی. ۲. تفسیر و بیان. ۳. معنای خلاف ظاهر. (ابن تیمیه، بی تا: ص ۲۳) او می‌گوید که قرآن تائویل را صرفاً در معنای اول به کار برده است؛ ولی صحابه و بزرگان سلف، آن را در معنای دوم نیز به کار می‌برده‌اند و بالاخره معنای سوم از تائویل، اصطلاح متأخران است و اصلاً در قرآن و کلام پیامبر و گفتار سلف به این معنا از تائویل اشاره نشده است. (ر.ک: همو: ص ۱۰، ۱۲، ۱۶ و ۲۸)

ابن تیمیه در تبیین نظریه خویش می‌گوید: کلام خدا در قرآن بر دو قسم است: انشاء و اخبار. مراد از انشاء، اوامر و نواهی خداست. او عمل به اوامر و نواهی قرآن را تائویل آنها دانسته، می‌گوید: تائویل امر، خود فعلی است که بدان امر شده است. (همان: ص ۱۵) تائویل اخبار را نیز آن حقیقت خارجی می‌داند که از آن خبر داده شده؛ (همان: ص ۱۵) به طور مثال، مراد از تائویل در آیه «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ» (اعراف: ۵۲) وقوع اخبار قرآن درباره قیامت و بهشت و دوزخ و انواع نعمت و عذاب است. (همو: ص ۱۶ و ۲۸) وی می‌افزاید: برخی از تائویل اخبار قرآن واقع شده است؛ مانند آنچه که قرآن از امت‌های پیشین خبر می‌دهد و برخی از آن بعداً به وقوع خواهد پیوست؛ مانند آنچه قرآن از احوال قیامت و بعث و حساب و بهشت و دوزخ خبر می‌دهد. (همو: ص ۲۸ - ۳۲)

ابن تیمیه نتیجه می‌گیرد که یکی از تفاوت‌های اساسی تفسیر و تائویل قرآن این است که آگاهی از تفسیر همه قرآن ممکن است، در حالی که تائویل بعضی از آیات را کسی جز خداوند نمی‌داند. (همو: ص ۲۳) «(شاکر، ۱۳۸۸: ص ۱۰۵ - ۱۰۶)

بررسی

دیدگاه ابن تیمیه درباره تأویل قرآن در پژوهش‌های دیگر به بوته نقد کشیده شده است. (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۶: ص ۳۰؛ نصیری، ۱۳۷۷: ۵۶ - ۵۹) اما با عنایت به این که نوآوری این مقاله آن است که بر اساس ملاک و معیار مستندات قرآنی و روایی مربوط به ماهیت تأویل قرآن به نقد دیدگاه‌ها بپردازد؛ از این رو بر اساس ملاک یادشده، دیدگاه ابن تیمیه درباره تأویل قرآن به نحو موجهه جزئی قابل پذیرش است؛ زیرا آیات و روایاتی که در ذیل عناوین مصداق ظاهری آیات، مصداق آیات در گذر زمان (جری و تطبیق)، مصداق عموم یا اطلاق آیه و مصداق خبرهای غیبی و پیش‌گویی‌های قرآن مطرح گردید، دیدگاه وی را تأیید می‌نماید. ملاحظه‌ای که وجود دارد آن است که بر اساس مجموع آیات و روایاتی که در مورد ماهیت تأویل قرآن نقل شد، تأویل قرآن منحصر به مصداق آیات نبوده و شامل معانی باطنی آیات و معنای آیات متشابه نیز می‌باشد که مورد غفلت ابن تیمیه قرار گرفته است.

۳-۲- دیدگاه علامه طباطبایی درباره ماهیت تأویل قرآن

از دیدگاه علامه طباطبایی، جمیع آیات قرآن اعم از محکم و متشابه دارای تأویل بوده و تأویل قرآن، مدلول الفاظ قرآن نبوده، بلکه بالاتر از آن است که شبکه الفاظ بتواند بدان دست یازد. اگر خداوند آن حقیقت را به صورت مجموعه‌ای از الفاظ نازل کرد به جهت آن است که آن را تا حدودی به اذهان ما نزدیک سازد. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۴۹) از نگاه علامه تأویل قرآن عبارت از «حقایق خارجی» است که آیات قرآن در معارف، شرایع و سایر بیاناتش بدان مستند است. (همان: ص ۵۳) علامه بر این نظر است که تأویل قرآن که مستند تمام مضامین قرآن است، در جایگاهی است که خداوند آن را «کتاب حکیم» نامیده است. وی می‌نویسد: از آیات شریفه به دست می‌آید که ماورای این قرآن، که آن را می‌خوانیم و معانی‌اش را می‌فهمیم، امر دیگری است که نسبت آن با قرآن، نسبت روح به جسد و ممثل با مثل است، که خداوند آن را «کتاب حکیم» نامیده که تمام مضامین و معارف قرآن مستند به آن است. (همان: ص ۵۴) همچنین ایشان «ام‌الکتاب»، «لوح محفوظ» و «کتاب مکنون» در آیات ۱ تا ۴ سوره زخرف، ۲۱ و ۲۲ سوره بروج و ۷۷ تا ۸۰ سوره واقعه را جایگاه تأویل قرآن می‌داند. (ر.ک: همان: ص ۵۳-۵۴)

علامه، تأویل را اولاً و بالذات، وصف متعلق آیات می‌داند. ایشان در تبیین این نکته می‌نویسد: تأویل قرآن یک امر خارجی است که مرجع و مأخذ یک امر خارجی دیگر است. اتصاف آیات به تأویل داشتن، از نوع وصف به حال متعلق است، یعنی در واقع باید بگوییم که متعلق آیات دارای تأویل است نه خود آیات. (همان: ص ۲۷) وی در پاسخ به این سؤال که متعلق آیات چیست؟ می‌گوید: آیات قرآن به دو

دسته اخباری و انشایی تقسیم می‌شود؛ اخبار از امور خارجی حکایت می‌کند و انشاء به افعال و امور خارجی تعلق می‌گیرد؛ آنچه که حقیقتاً تأویل دارد، آن امور خارجی است که اخبار از آنها حکایت می‌کنند و انشاء بدان‌ها تعلق می‌گیرد. (ر.ک: همان: ص ۲۴-۲۵)

بنابر نظریه علامه طباطبایی، تأویل و تفسیر قرآن به دو حوزه مختلف مربوط می‌شوند؛ تفسیر مربوط به حوزه معناست، به طوری که معنای ظاهری و معنای باطنی و همچنین مصادیق هر یک از این دو معنا را دربر می‌گیرد؛ اما تأویل ارتباطی با معانی و مصادیق ندارد. (ر.ک: همان، ص ۵۴-۵۶) علامه می‌گوید که بی‌تردید آیات قرآن مشتمل بر معانی‌ای است که برخی بر برخی دیگر مترتب می‌شوند؛ اما همه این معانی، [اعم از ظاهر و باطن] مدلول‌های لفظاند که فهم آنها به حسب میزان توانایی و ضعف شنونده از نظر ذهنی و عقلی متفاوت است؛ اما تأویل قرآن را جز خدا نمی‌داند و حتی اگر دلیل داشته باشیم که راسخان در علم نیز به آن عالم‌اند، نه از جهت رسوخ آنها در علم، بلکه از جهت مطهر بودن آنهاست. اگر تأویل هم از نوع معانی بود، نباید علم آن را منحصر به خدا و مطهران دانست، چون آنچه در فهم صحیح یا ناصحیح قضایای علمی دخالت تام - به نحو علیت - دارد، تیزفهمی و کندفهمی است و نه طهارت و تقوا. (ر.ک: همان، ص ۴۸)

البته در دیدگاه علامه کاربرد اصطلاح تأویل در قرآن ارتباطی به بحث تفسیر و معانی قرآن ندارد؛ اما ایشان پذیرفته‌اند که در روایات گاهی مراد از تأویل، تفسیر آیات متشابه است و این کاربرد در صدر اول اسلام بین مردم رایج بوده است؛ (ر.ک: همان، ص ۶۹) اما به نظر ایشان این را باید کاربرد و اصطلاح روایی تلقی کرد که ارتباطی با اصطلاح قرآن ندارد. (شاکر، ۱۳۸۸: ج ۷، ص ۱۰۸). برای تبیین بیشتر دیدگاه علامه به مقاله تأویل دایرةالمعارف قرآن کریم مراجعه نمایید. (ر.ک: شاکر، ۱۳۸۸: ج ۷، ص ۱۰۶ - ۱۰۸)

بررسی

دیدگاه علامه طباطبایی درباره تأویل قرآن در برخی پژوهش‌ها نقد شده است. (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۶: ص ۳۰ - ۳۱؛ نصیری، ۱۳۷۷: ۶۲ - ۶۵) اما نقد دیدگاه ایشان بر اساس مستندات قرآنی و روایی مسبوق



به سابقه نیست. دیدگاه علامه طباطبایی مبنی بر این که قرآن دارای حقیقت و وجود فرامادی است، مورد قبول است؛ زیرا طبق آیه شریفه «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» (حجر: ۲۱) حقیقت همه اشیاء - از جمله قرآن - در عالم دیگری فراتر از این عالم ماده وجود دارد؛ اما ملاحظه‌ای که وجود دارد این است که در هیچ یک از آیات و روایاتی که درباره تأویل قرآن وارد شده، واژه تأویل بر این حقیقت فرامادی قرآن، اطلاق نشده است. به نظر می‌رسد اگر علامه به جای جعل اصطلاح تأویل قرآن برای وجود فرامادی قرآن از اصطلاح «وجود ملکوتی قرآن» استفاده می‌نمود به صواب نزدیک‌تر بود؛ زیرا از آنجا که این گونه مباحث مربوط به عالم غیب است جعل چنین اصطلاحاتی نیاز به دلیل قرآنی یا روایی دارد.

۳-۳- دیدگاه آیت‌الله معرفت درباره ماهیت تأویل قرآن

آیت‌الله معرفت «تأویل قرآن» را به دو معنا می‌داند: یکم، بیان معنای صحیح آیات متشابه و دوم، معنای باطنی آیات اعم از محکم و متشابه. از دیدگاه آیت‌الله معرفت مراد از معنای باطنی آیات، بازگرداندن معنای آیات به وجهی عمیق و عام است که بتواند فراتر از معنای ظاهری، در بستر زمان انطباق یابد. (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۵ - ۲۸؛ همو، ۱۴۲۷، ص ۱۳ - ۱۴؛ همو، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۹ - ۲۱) وی معتقد است که: «تأویل - که نوع خاصی از تفسیر است - از قبیل معنا و مفهوم است و سزاوار نیست که با مصداق، اشتباه شود.» (معرفت، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۷ - ۲۸) و در جای دیگر گفته است: «سابقه ندارد که واژه «تأویل» بر وجود عینی اطلاق شود؛ بلکه اصطلاحاً واژه «مصداق» بر وجود عینی اطلاق می‌گردد.» (معرفت، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۳۰)

بررسی

از آنجا که در این مقاله بناست بر اساس مستندات قرآنی و روایی به نقد دیدگاه‌ها پرداخته شود، لذا بر اساس ملاک یادشده به بررسی دیدگاه آیت‌الله معرفت می‌پردازیم. در بین دیدگاه‌های مشهور درباره ماهیت تأویل قرآن دیدگاه آیت‌الله معرفت با معنای خاص تأویل قرآن که شامل معنای باطنی آیات، مصداق باطنی آیات و معنای آیات متشابه است، انطباق بیشتری دارد؛ زیرا ایشان تأویل قرآن را شامل معنای باطنی آیات و معنای آیات متشابه می‌داند. اما این که آیت‌الله معرفت، تأویل را فقط بر مفاهیم اطلاق می‌کند و اطلاق تأویل بر مصداق را قبول ندارد، قابل ملاحظه است؛ زیرا تأویل به معنای وجود عینی و مصداق خارجی در روایات اهل بیت (ع) کاربرد فراوانی دارد که نمونه‌های آن در ذیل عناوین

مصدق ظاهری آیات، مصداق باطنی آیات، مصداق آیات در گذر زمان (جری و تطبیق)، مصداق عموم یا اطلاق آیه، مصداق خبرهای غیبی و پیش‌گویی‌های قرآن گذشت. بنابراین طبق روایات مذکور، تأویل قرآن به معنای خاص، علاوه بر دو معنایی که ایشان ذکر نمود، معنای سوم هم دارد که عبارت از «مصادیق باطنی آیات» است که البته از بین معانی تأویل، معنای مصداقی، نمود و ظهور بیشتری نیز دارد.



۴- نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر به شرح ذیل است:

- ۱- بر اساس آیات و روایات، تأویل قرآن به معنای عام عبارت از معنا و مصداق ظاهری و باطنی آیات و معنای آیات متشابه می‌باشد.
- ۲- تأویل قرآن به معنای خاص عبارت از معنا و مصداق باطنی آیات و معنای آیات متشابه است.
- ۳- دیدگاه ابن تیمیه درباره ماهیت تأویل قرآن به نحو موجه جزئی قابل پذیرش است؛ زیرا معنای باطنی آیات و معنای آیات متشابه را در بر نمی‌گیرد.
- ۴- دیدگاه علامه طباطبایی در مورد ماهیت تأویل قرآن، مؤید قرآنی و روایی ندارد؛ زیرا در هیچ یک از آیات و روایاتی که درباره تأویل قرآن وارد شده بر حقیقت فرامادی قرآن، اطلاق تأویل نشده است.
- ۵- آیت الله معرفت مصداق باطنی آیات را جزو ماهیت تأویل قرآن نمی‌داند؛ در حالی که بر اساس آیات و روایات، تأویل قرآن شامل مصداق باطنی آیه نیز می‌شود.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آگاه، حمید، ۱۳۷۵ ش، تأویل قرآن در منظر اهل بیت (ع)، مجله پژوهش های قرآنی، شماره ۵ و ۶.
- ۳- ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷ ش، *النهاية في غريب الحديث و الاثر*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ۴- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، بی تا، *الإکلیل فی المتشابه و التأویل*، اسکندریه، دارالایمان.
- ۵- _____، ۱۴۲۶ ق، *مجموع فتاوی الکبری*، بیروت، مکتبه الرشد.
- ۶- _____، ۱۳۹۸ ق، *دقائق التفسیر*، بی جا، دارالانصار.
- ۷- ابن فارس، احمد، ۱۴۱۰ ق، *معجم مقاییس اللغه*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۸- ابن منظور، محمد، ۱۴۰۸ ق، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۹- ازهری، محمد بن احمد، بی تا، *معجم تهذیب اللغه*، بیروت، دارالکتب العربی.
- ۱۰- اسعدی، محمد و طیب حسینی، سید محمود، ۱۳۹۰ ش، *پژوهشی در محکم و متشابه*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۱۱- بابایی، علی اکبر، ۱۳۷۲ ش، *تأویل قرآن*، مجله معرفت، شماره ۶.
- ۱۲- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ۱۳۷۴ ش، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه بعثه.
- ۱۳- برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱ ق، *المحاسن*، قم، دارالکتب الإسلامیه.
- ۱۴- ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۴۳۰ ق، *سنن الترمذی*، بیروت، دارالفکر.
- ۱۵- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۲۸ ق، *الصحاح اللغه*، بیروت، دارالمعرفه.
- ۱۶- خزاز رازی، علی بن محمد، ۱۴۰۱ ق، *کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر*، قم، بیدار.
- ۱۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۴ ق، *المفردات*، قم، نشر کتاب.



- ۱۸- ذوفقاری، شهاب‌الدین، ۱۳۹۳ ش، بررسی مفهوم قرآنی تأویل و مقایسه آن با دیدگاه‌های برخی قرآن‌پژوهان معاصر، مجله حسنا، شماره ۲۱.
- ۱۹- سید مرتضی، علی بن الحسین، ۱۹۹۸ م، أمالی المرتضی (غرر الفوائد و درر القلائد)، قاهره، دار الفکر العربی.
- ۲۰- شاکر، محمدکاظم، ۱۳۷۶ ش، روشهای تأویل قرآن، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- ۲۱- _____، ۱۳۸۲ ش، مبانی و روش های تفسیر، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ۲۲- _____، ۱۳۸۸ ش، تأویل، دایره المعارف قرآن کریم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ۲۳- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۹۵ ق، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، اسلامی.
- ۲۴- _____، ۱۳۹۸ ق، التوحید، قم، جامعه مدرسین.
- ۲۵- صفار، محمد بن حسن، ۱۴۰۴ ق، بصائر الدرجات، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ۲۶- طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۲۷- طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ ق، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی.
- ۲۸- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- ۲۹- علوی‌نژاد، سیدحیدر، ۱۳۸۲ ش، معنانشناسی تأویل قرآن در منظر اهل بیت (ع)، مجله حسنا، شماره ۲.
- ۳۰- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ ق، تفسیر العیاشی، تهران، المطبعة العلمیه.
- ۳۱- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۴ ق، ترتیب کتاب العین، تهران، اسوه.
- ۳۲- فرجاد، محمد، ۱۳۸۳ ش، معنانشناسی تأویل در روایات، مجله پژوهش‌های قرآنی، شماره ۳۷ و ۳۸.
- ۳۳- فیروزآبادی، مجدالدین، بی‌تا، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز، بیروت، المکتبه العلمیه.

- ۳۴- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ ق، تفسیر القمی، قم، دار الكتاب.
- ۳۵- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ ق، الکافی، قم، دارالحدیث.
- ۳۶- نصیری، علی، ۱۳۷۷ ش، تأویل از نگاه تحقیق، مجله بینات، شماره ۱۷.
- ۳۷- نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- ۳۸- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۳۹- معرفت، محمدهادی، ۱۴۲۷ ق، التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء، تهران، مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی.
- ۴۰- _____، ۱۴۱۸ ق، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، مشهد، الجامعة الرضویة للعلوم الاسلامیة.
- ۴۱- _____، ۱۳۸۶ ش، التمهید فی علوم القرآن، قم، مطبعة ستاره، الطبعة الأولى من مؤسسه التمهید، مزیده و منقحة.
- ۴۲- _____، ۱۳۸۸ ش، علوم قرآنی، قم، انتشارات تمهید.
- ۴۳- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ ش، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

Resources

- ۱- The Holy Quran
- ۲- 2- Agah, Hamid, 1996, Interpretation of the Qur'an in the perspective of the Ahl al-Bayt (AS), Journal of Quranic Studies, No. 5 and 6.
- ۳- Ibn Athir, Mubarak Ibn Muhammad, 1988, The End in the Strange Hadith and Works, Qom, Ismaili Press Institute.



- ۴- Ibn Taymiyyah, Ahmad Ibn Abd al-Halim, Bita, Al-Kakil Fi Al-Mutashabah wa Al-Tawil, Alexandria, Dar al-Iman.
- ۵- _____, 1426 AH, the total fatwa of Al-Kubra, Beirut, Maktab al-Rashd.
- ۶- _____, 1398 AH, minutes of interpretation, nowhere, Dar al-Ansar.
- ۷- Ibn Faris, Ahmad, 1410 AH, Dictionary of Comparative Languages, Qom, Islamic Media School.
- ۸- Ibn Manzoor, Muhammad, 1408 AH, Arabic Language, Beirut, Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- ۹- Azhari, Mohammad Ibn Ahmad, Bi Ta, Dictionary of Civilization, Beirut, Dar Al-Kitab Al-Arabi.
- ۱۰- Asadi, Mohammad and Tayeb Hosseini, Seyed Mahmoud, 1390, research in solid and similar, Qom, seminary and university research.
- ۱۱- Babaei, Ali Akbar, 1372, Quran Interpretation, Journal of Knowledge, No. 6.
- ۱۲- Bahrani, Sayyid Hashim bin Sulayman ۱۳۷۴ هـ، Al-Burhan Fi Tafsir Al-Quran, Qom, Ba'ath Institute.
- ۱۳- Barqi, Ahmad ibn Muhammad ibn Khalid, 1371 AH, Al-Mahasin, Qom, Dar al-Kitab al-Islamiya.
- ۱۴- Tirmidhi, Muhammad ibn Isa, 1430 AH, Sunan al-Tirmidhi, Beirut, Dar al-Fikr.
- ۱۵- Johari, Ismail Ibn Hammad, 1428 AH, Al-Sahah Al-Lagha, Beirut, Dar al-Ma'rifah.
- ۱۶- Khazaz Razi, Ali Ibn Muhammad, 1401 AH, The adequacy of the effect in the text on the Twelve Imams, Qom, Bidar.
- ۱۷- Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Mohammad, 1404 AH, Al-Mufradat, Qom, book publishing.
- ۱۸- Zofaghari, Shahabuddin, 2014, A study of the Qur'anic concept of interpretation and its comparison with the views of some contemporary Qur'anic scholars, Hasna Magazine, No. 21.
- ۱۹- Sayyid Murtadha, Ali Ibn Al-Hussein, 1998, Amali Al-Murtada (Gharr Al-Fawwid and Dar Al-Qalaid), Cairo, Dar Al-Fikr Al-Arabi.

- ۲۰- Shaker, Mohammad Kazem, 1997, Methods of Quran Interpretation, Qom, Islamic Propaganda Office of the seminary.
- ۲۱- _____, 2003, Basics and methods of interpretation, Qom, World Center of Islamic Sciences.
- ۲۲- _____, 1388, Interpretation, Encyclopedia of the Holy Quran, Qom, Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
- ۲۳- Saduq, Mohammad Ibn Ali, 2016 AH, Kamal al-Din and all the blessings, Tehran, Islamic.
- ۲۴- _____, 1398 AH, Al-Tawhid, Qom, Teachers Association.
- ۲۵- Saffar, Muhammad ibn Hassan, 1404 AH, Basair Al-Darjat, Qom, Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi Library.
- ۲۶- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein, 1390 AH, Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Beirut, Scientific Foundation for Publications.
- ۲۷- Tabarsi, Ahmad Ibn Ali, 1403 AH, protest against the people of madness, Mashhad, published by Morteza.
- ۲۸- Tabarsi, Fadl Ibn Hassan, 1372, Al-Bayyan Complex in the Interpretation of the Qur'an^۱, Tehran, Nasser Khosrow.
- ۲۹- Alavi Nejad, Seyed Haidar, 2003, Semantics of Quranic Interpretation in the Perspective of Ahl al-Bayt (AS), Hasna Magazine, No. ۲.
- ۳۰- Ayashi, Mohammad Ibn Massoud, 1380 AH, Tafsir Al-Ayashi, Tehran, Scientific Press.
- ۳۱- Farahidi, Khalil Ibn Ahmad, 1414 AH, arrangement of Al-Ain book, Tehran, Aswa.
- ۳۲- Farjad, Mohammad, 2004, Semantics of Interpretation in Narrations, Journal of Quranic Studies, No. 37 and 38.
- ۳۳- Firoozabadi, Majdaldin, Bita, Basair Dhu al-Tamiz Fi Latif Al-Kitab Al-Aziz, Beirut, Al-Muktabah Al-Almiyeh.
- ۳۴- Qomi, Ali Ibn Ibrahim, 1404 AH, Tafsir Al-Qomi, Qom, Dar al-Kitab.
- ۳۵- Klini, Muhammad ibn Ya`qub, 1429 AH, Al-Kafi, Qom, Dar al-Hadith.
- ۳۶- Nasiri, Ali, 1998, Interpretation from the perspective of research, Bayanat Magazine, No. 17.



- ۳۷- Nouri, Hussein Ibn Muhammad Taqi, 1408 AH, Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il, Qom, Al-Bayt Foundation, peace be upon them.
- ۳۸- Majlisi, Mohammad Baqir bin Mohammad Taqi, 1403 AH, Baharalanvar, Beirut, Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- ۳۹- Maaref, Mohammad Hadi, 1427 AH, Interpretation in different religions and opinions, Tehran, World Assembly of Approximation between Islamic religions.
- ۴۰- _____, 1418 AH, Tafsir and the commentators on the reward of Al-Qashib, Mashhad, Al-Radwiyyah Society for Islamic Sciences.
- ۴۱- _____, 2007, Al-Tamhid Fi Uloom Al-Quran, Qom, Star Press, First Printing House of Al-Tamhid Foundation, added and revised.
- ۴۲- _____, 2009, Quranic Sciences, Qom, Tahmid Publications.
- ۴۳- Makarem Shirazi, Nasser, 1992, Sample Interpretation, Tehran, Islamic Library.